

مقدمه‌ای بر «زمین فقه و آسمان اخلاق»

منبع: سایت دین‌آنلاین، روز یکشنبه، مورخ: ۱۴۰۰/۷/۲۵

«از بخت شکر دارم و از روزگار هم». بیش از پانزده سال است که در حوزه نواندیشی دینی می‌اندیشم، قلم می‌زنم و افتان و خیزان پیش می‌روم. اولین اثرم در این قلمرو، آئین در آینه بود و متضمن مرور آراء دین‌شناسانه عبدالکریم سروش و بدست دادن مدلی برای فهم فقرات مختلف نظام الاهیاتی و دین‌شناختی این نواندیش دینی و متفکر معاصر. پس از آن، در باب روشنفکری دینی و اخلاق، ترنم موزون حزن، حجاب در ترازو، ورق روشن وقت، صدای سفر آینه‌ها، وقت لطیف شن و ردّ آبی روایت، طی دوازده سال گذشته سر بر آورده و پیش روی مخاطبان قرار گرفته‌اند.

چنانکه درمی‌یابم، طی سالیان سپری شده، افزون بر بازخوانی آثار نواندیشان دینی، احیاگران دینی و روشنفکران ایرانی، قلم زدن درباره آنها و برگزاری درسگفتارهای متعدد؛ دو پروژه فکری و کارک را، به قدر وسع پی گرفته و پیش برده‌ام. اولی موسوم است به عرفان مدرن و حدود و ثغور سلوک معنوی در روزگار راززدایی شده کنونی. در این راستا، با برکشیدن مفاهیمی چون سالک مدرن / سالک سنتی، متافیزیک نحیف، تنهایی معنوی / تنهایی تلخ، ایمان آرزومندانه، ایمان از سر طمأنینه، کورمرگی، طنز الاهیاتی.... کوشیده‌ام روایت خود از چند و چون سلوک معنوی را تقریر کنم. طی هفت - هشت سال اخیر، شش اثر در این باب منتشر کرده‌ام؛ آخرین آنها از سهروردی تا سپهری است که دو ماه پیش سر برآورد.

از سوی دیگر، ربط و نسبت میان دین و اخلاق، عموماً و رابطه میان فقه و اخلاق، خصوصاً از دلمشغولی‌های جدی دو دهه اخیر من بوده است. روزگاری که در «موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران» و «دانشگاه مفید» قم، «فلسفه اخلاق» تدریس می‌کردم؛ انحاء روابط میان دین و اخلاق را به تفصیل بررسی‌دم و به بحث گذاشتم. پس از آن، از ابتدای دهه نود شمسی که از قضای روزگار ساکن این سوی کره خاکی گشتم و درس و مشق و تحقیق و تدریس را در دپارتمان «مطالعات تاریخی» دانشگاه تورنتو آغاز کردم؛ واکاوی رابطه میان فقه و اخلاق، با محوریت احکام فقهی اجتماعی را در دستور کار خود قرار دادم.

طی نه سال گذشته از توزین احکام فقهی حجاب و ارتداد در ترازوی اخلاق آغازیدم، در ادامه به احکام «سبّ نبی»، «مباهته» و «ازدواج عرفی» و «رقص» پرداختم. هر چه پیشتر آمدم، بیشتر با پدیده‌ای مواجه گشتم که بر آن، «الیناسیون دینی» نام نهاده‌ام؛ از خود بیگانگی‌ای که به نام دین و تحت لوای

دیانت و فقاہت صورت می‌گیرد: دینداری و فقاہت بریده از اخلاق. در سده نوزدهم، مارکس از الیناسیونی یاد می‌کرد و نام می‌برد که توسط کارفرمایان و سرمایه‌داران بر طبقه کارگر اعمال می‌شد؛ از خود بیگانگی و الیناسیونی که پاشان و پریشان کننده روان کارگران بود و دورشدن شان از زندگی اصیل [۱] را در پی داشت. علی شریعتی، نواندیش دینی معاصر، بر همین سیاق، از «از خود بیگانگی فرهنگی» سخن می‌راند؛ الیناسیونی که بیگانه شدن از فرهنگ خودی و سنت ستمبرِ پسِ پشت و طلب کردن «آنچه خود داشت» را از غیر و بیگانه، بر برجسته می‌کرد. بر همین سیاق، می‌توان «الیناسیون دینی» را بر کشید و از آن سخن به میان آورد [۲]. روا انگاشتنِ ستاندنِ جان مرتد و سابِ النبی، همچنین صدور جواز برای بهتان زدن به دگرانیشان دینی، به روایت نگارنده، مصادیقی از الیناسیون دینی‌اند؛ رفتارهایی که با شهوذهای اخلاقی عرفی، منافات جدی دارند و فرونهادنی؛ که «کافر من گر از این شیوه تو ایمان داری». از پیامبر گرامی اسلام روایت شده است: «انی بعثت لاتمم مکارم الاخلاق»: من برای تتمیم مکارم اخلاق مبعوث شدم. چنانکه درمی‌یابم، تمسک جستن به شهوذهای اخلاقی و لحاظ کردن آنها، عین تاسی به میراث نبوی در روزگار کنونی است و قوام بخش مسلمانانِ توام با مدنیت و مدارا.

افزون بر احکام فقهی یاد شده، ربط و نسبت میان روایات و آیات قرآن از دلمشغولی‌های قدیمی نگارنده است. در مقاله «روایات در ترازوی قرآن»، کوشیده‌ام با وام کردن مفهوم «اخلاق باور» و تفکیک میان «دلایل راهنمای نظر» و «دلایل راهنمای عمل»، این نسبت را به روایت خویش صورت‌بندی کرده، ادله‌ای له آن اقامه نمایم.

طی چند ماه اخیر، به مدد فضای فراهم شده توسط اپلیکیشن «کلاب هاوس» که از آن می‌توان به «رواق مجازی» تعبیر کرد؛ در رواق‌هایی که محملی برای بحث و گفتگو‌اند؛ چندین مناظره با تنی چند از روحانیون و فقه پیشگان درباره مسئله حجاب داشتم. برگزاری این جلسات، اهمیت دو امر را بیش از پیش بر من هویدا کرد: نسبت سنجی میان فقه و اخلاق و از سویی دیگر نسبت سنجی میان قرآن و روایات. خوشبختانه، نواندیشی دینی متأخر، طی ده - پانزده سال اخیر، این موضوعات مهم را برکشیده، برجسته کرده و بدان‌ها پرداخته است.

اثر پیش رو، متضمن جستارهایی است که طی نه سال گذشته، درباره نسبت میان اخلاق و احکام فقهی اجتماعی نگاشته و در ترازوی اخلاق توزین کرده‌ام؛ از «حجاب در ترازوی اخلاق» تا «رقص در ترازوی اخلاق». حسن ختام بخش نخست، مصاحبه مبسوط نگارنده است با محمد موسوی عقیقی فقه پژوه تحت عنوان «فقه و اخلاق در ترازو»، ناظر به جستارهای کتاب و ربط و نسبت میان فقه و اخلاق.

پس از بخش نخست زمین فقه و آسمان اخلاق، نوبت به بخش ضمایم می‌رسد. جستارهایی که در این بخش قرار گرفته‌اند، تناسب تامی با مقولات فقه و فقیهان و اخلاق دارند.

ناگفته نگذارم که «حجاب در ترازوی اخلاق» پیش از این در حجاب در ترازو منتشر شده؛ «ارتداد در ترازوی اخلاق» و «ازدواج عرفی در ترازوی اخلاق»، «غمی غمناک» و «مباهته: حاشیه به جای متن» در ورق روشن وقت؛ و «روایات در ترازوی قرآن» و «تهمت در خدمت دیانت» در وقت لطیف شن. با عنایت به اینکه آثار فقه شناسانه‌ام طی این سالیان، در آثار پراکنده‌ای منتشر شده‌اند، به پیشنهاد برخی از دوستان هم‌دل و ویراستار محترم، تمام آنها، در این کتاب یکجا کنار یکدیگر نشسته و به نیکی از دغدغه‌ها، دلمشغولی‌ها و تطورات فکری نگارنده در این باب پرده برمی‌گیرند. جستار «فقه و اخلاق در ترازو» نیز، سویه‌های مختلف کارک‌های من در این حوزه را کاویده و بر آفتاب افکنده است. تمام مقالات فوق، برای گنجانده شدن در این مجموعه، مجدداً بازخوانی شده و در مواردی، ارجاعات بیشتری بدان‌ها اضافه شده است.

اگر نبود لطف و محبت بی دریغ محمد موسوی عقیقی، دوست فاضل فقه پژوه عزیز، زمین فقه و آسمان اخلاق، به سامان و سرانجام نمی‌رسید. از این بابت از ایشان صمیمانه سپاسگزارم. همچنین ممنونم از سپهر زارع، مدیر فرهنگ دوست «نشر سهروردی» برای انتشار این اثر. امیدوارم این کتاب به کار علاقه‌مندان به فقه پژوهی و نواندیشی دینی بیاید و سهم خردی در پیشبرد مباحث ایفا کند.

تورنتو - مهر ۱۴۰۰